



هفتم دسامبر سال 43 پیش از میلاد سیسرو (مارکوس تولیوس سیسرو) فیلسوف، خطیب و ادیب روم باستان به دست سربازان مارکوس آنتونیوس در نقطه ای دور از شهر رم کشته شد. مارکوس «سیسرو» را متهم به مشارکت در قتل سزار در تالار سنای روم کرده بود و به خونخواهی سزار وی را کشت و دستور داد که دست راست و سر او را جدا ساختند و در فاروم (محل سخنرانیهای عمومی در شهر رم)، همانجائی که صدها بار سخنرانی کرده بود آویزان کردند.

اشتباه سیسرو در این بود که وارد سیاست شد. او از خاندان بزرگان نبود و برای این که به حساب آید و نیز به منظور عملی ساختن افکار خود وارد سیاست شد و نه تنها به اعتبار علمی خود صدمه زد بلکه جانش را هم از دست داد. وی حتی یک بار مجبور شد بر خلاف عقاید فلسفی خود از اعدام فوری سه ژنرال یاغی جانبداری کند حال آن که طبق عقاید او، هرکس حق محاکمه منصفانه دارد. سیسرو به دلیل مخالفت شدید با دیکتاتوری و وفاداری به جمهوریت با کارهای سزار موافقت نداشت.

سیسرو که در سال 106 پیش از میلاد در شهر «آرپینو» واقع در 120 کیلومتری شرق شهر رم به دنیا آمده بود در جوانی به یونان، رودس و ایونی (ساحل غربی آناتولی) رفته بود و در آنجا به مطالعه فلسفه، تاریخ، ادبیات و فن خطابت پرداخته بود. سخنرانیهای عمومی او به قدری نافذ بود که وی را به عنوان کنسول و سپس سناتور انتخاب کردند و وارد سیاست شد.

سیسرو در یک جلسه سنا شدیداً با تصمیم کراسوس برای جنگ با ایران مخالفت کرد ولی رای اکثریت سنا با کراسوس بود. پس از شکست کراسوس در جنگ با ایران از سپید سورنا فرمانده ارتش ایران در سال 53 پیش از میلاد و از دست دادن جان خود در این جنگ اهمیت سیسرو که با این جنگ مخالفت کرده بود بیشتر شد.

سیسرو کتاب «ماهیت بد و خوب» خود را بر پایه آیین زرتشت و عقاید او نوشته است و در کتاب دیگرش «درباره درستی» بسیاری از اندرزهای زرتشت را تکرار کرده است.

از سیسرو آثار و کتابهای متعدد باقی مانده است از جمله کتاب «موازنه» در علوم سیاسی، وظیفه، فلسفه های نادرست، بروتوس، از جانب بالبوس، مسائل فلسفه، عقاید، فنون نطق و خطابت، درباره پیری، پایان ها، طبیعت خدایان و

سیسرو در کتاب «وظیفه» به مسئولیت های مختلف اشاره کرده و تجربه خدمت در ارتش را یک امر واجب دانسته و نوشته است که هر مرد باید تجربه نظامی داشته باشد تا نه تنها مفهوم جنگ را بداند بلکه بتواند نتایج آن را برای خود مجسم کند. وی در همین کتاب در باب دولتمرد نوشته است که دولتمرد همانند یک پدر باید همیشه نگران آن باشد که چه میراثی باید از خود باقی بگذارد؛ پدر برای فرزندان و دولتمرد برای هموطنانش و هرچه این میراث غنی تر باشد بهتر است. کسی نباید برای بازماندگان در دسر به میراث بگذارد.

در کتاب موازنه، سیسرو به دفاع از دموکراسی پرداخته و برای جلوگیری از دیکتاتوری توصیه کرده است که میان سنا (قوه تقنینیه) و امپراتور (رئیس قوه مجریه) باید موازنه قدرت برقرار باشد. وی اساساً با ریاست یک فرد بر قوه مجریه مخالف است و از شورایی ریاست کشور سخن به میان می آورد. سیسرو حکومت انتخابی را حق بشر می داند و به این ترتیب با حکومت موروثی میانه خوبی ندارد. در همین کتاب، وی برخوردار بودن از محاکمه منصفانه را حق هر انسان می داند و استدلال می کند که عمل و اقدام ناروا (عمل فیزیکی) جرم است نه فکر و اندیشه به زعم بعضی ها بد. اگر افکار یک فرد زیان آور تلقی شود این شخص باید تبعید شود نه جریمه، زندان و یا اعدام.

در کتاب «درباره درستی» نوشته است که هیچ همکار و همنشینی زیان بارتر و بدتر از چاپلوس نیست و یک چاپلوس نباید به خدمت عمومی (کارمندی دولت) پذیرفته شود. سیسرو می گوید که اگر قدر شناسی نباشد؛ خدمت و خلاقیت هم وجود نخواهد داشت و مردمی که قدر پیشینیان خود را که خدمت کرده اند نشناسند و آنان را در نظر نداشته باشند دیر و یا زود کشورشان از هم خواهد پاشید. او غم انگیزترین رویداد یک ملت را جنگ داخلی (برادر کشی) می داند. سیسرو با این که چند بار در مذمت قضاوت عجولانه نوشته، خود او در نامیدن پمپی ژنرال رومی به «پمپی بزرگ» که جاه طلبی او و دیگران باعث یک جنگ داخلی خونین در روم شد عجله کرد و یکی از انتقادهای وارده به سیسرو همین بوده است. بخشهایی از کتاب فنون نطق و خطابت سیسرو هنوز در مدارس غرب که این رشته از دروس اجباری آنها است تدریس می شود.

باید دانست که ارتش ایران در جنگ سال 36 پیش از میلاد مارکوس آنتونیوس قاتل سیسرو را در آناتولی شرقی آن چنان شکستی سخت داد که اشک ریزان فرار کرد و هزاران سرباز او که به اسارت ایرانیان در آمده

بودند براي کار کشاورزي به محل کنوني شهر اروميه فرستاده شدند .